

تحلیل هزینه - منفعت افشای سرمایه فکری از دیدگاه صاحب نظران و کارشناسان حسابداری

محمدرضا نیکبخت

دانشیار گروه حسابداری دانشکده مدیریت دانشگاه تهران
mnikbakht@ut.ac.ir

عالمه یزدانپان

دانشجوی دکترای حسابداری دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)
almyazdanian66@gmail.com

الهام جمالی

کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه تهران
jamali.accounting@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۶ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۲۹

چکیده

امروزه با گذر از اقتصاد صنعتی و دستیابی به دستیابی به اقتصاد مبتنی بر دانش، گزارشگری سرمایه فکری برای شرکت‌ها به یک امر ضروری و حیاتی تبدیل گردیده است. به طوری که شواهد متعددی حاکی از آن است که شرکت‌ها به منظور بهبود شرایط برای پیش‌بینی وضعیت آتی، تعیین ارزش ذاتی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، به طور داوطلبانه این اطلاعات را افشا می‌کنند. در میان انبوه تحقیقات در خصوص اهمیت گزارشگری سرمایه فکری و تاثیر آن بر موارد مختلف از جمله عملکرد مالی، ارزش بازار و ...، تجزیه و تحلیل هزینه-منفعت گزارشگری این دست از اطلاعات کمتر به چشم می‌خورد. از این رو هدف پژوهش حاضر تجزیه و تحلیل هزینه-منفعت افشای اطلاعات سرمایه فکری توسط شرکت‌ها از دیدگاه صاحب نظران و کارشناسان ارشد حسابداری برای تعیین اهمیت اطلاعات سرمایه فکری برای استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری و تعیین موانع و منافع حاصل از افشای این اطلاعات می‌باشد. به این منظور پرسشنامه کرکلس و پانس (۲۰۱۳) برای ۳۴۵ نفر از صاحب‌نظران و کارشناسان ارشد حسابداری ارسال گردید که از این میان ۱۲۸ پرسشنامه برگشت داده شد. پس از آن با استفاده از آزمون‌های دوجمله‌ای و فریدمن، تحلیل‌های آماری لازم صورت گرفت. نتایج بیان گر آن بود که از دیدگاه صاحب‌نظران و کارشناسان حسابداری، ارائه و افشای اطلاعات سرمایه فکری به موجب افزایش مربوط بودن اطلاعات درون گزارشات مالی برای استفاده‌کنندگان با اهمیت می‌باشد و همچنین نبود سیستم‌های اطلاعاتی برای شناسایی و اندازه‌گیری منابع نامشهود و هزینه بالای توسعه‌ی چنین اطلاعاتی از جمله مهم‌ترین دلایل بازدارنده‌ی افشای اطلاعات سرمایه فکری تا به حال بوده و افزایش شفافیت شرکت و بهبود اعتبار و تصویر شرکت از جمله منافع اصلی حاصل از افشای این اطلاعات می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: هزینه - منفعت، سرمایه فکری، افشای داوطلبانه، گزارشگری مالی.

۱- مقدمه

محرك اصلی پویایی روز افزون تجارت قرن بیست و یکم، سرمایه فکری است. محرك هادر اقتصاد مدرن دیگر سرمایه، زمین یا تجهیزات نیست، بلکه این سرمایه و دارایی مبتنی بر دانش هستند که چرخ دنده‌های اقتصاد را به حرکت در می‌آورند و مزیت رقابتی ایجاد می‌کنند. محرکی که اقتصاد صنعتی را به اقتصاد مبتنی بر دانش تبدیل کرده است. در چنین اقتصادی، منبع ارزش اقتصادی شرکت‌ها دیگر مبتنی بر تولید کالاهای اساسی نخواهد بود، بلکه وابسته به ایجاد و حفظ سرمایه فکری است.

با وجود اهمیت سرمایه فکری در ایجاد ارزش برای شرکت‌ها و نقش حیاتی آن در افزایش ثروت سهامداران و در نهایت ایجاد مزیت رقابتی، همچنان چارچوب فعلی حسابداری مالی از انعکاس ارزش آن ناتوان است. این امر در حالی است که دارایی‌های فکری در تعیین ارزش و جایگاه شرکت در بازار رقابتی اثر تعیین کننده‌ای دارد. برای مثال، ارزش مارک کوکا کولا چندین برابر بیشتر از ارزش کل دارایی‌های آن است که از طریق ترازنامه‌ی جاری آن منعکس می‌شود (حق شناس و برزگر، ۲۰۱۳: ۷). فرانسیس و شیپر (۱۹۹۹) استدلال می‌کنند که با افزایش اهمیت سرمایه فکری در اقتصاد و اطلاعات ناکافی دارایی‌های سرمایه فکری در صورت‌های مالی شرکت‌ها، مربوط بودن این صورت‌ها در طول زمان کاهش یافته است. استانداردهای فعلی حسابداری، شناسایی سرمایه فکری را در صورت‌های مالی ملزم نمی‌کند و فقط درصد کمی از شرکت‌ها، سرمایه فکری را در گزارش‌های سالانه‌ی خود افشا می‌کنند. در نتیجه، یک روند فزاینده‌ای در عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت‌ها و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی بوجود خواهد آمد (بروگن، الکساندر، ورگاون، فیلیپ و داوو، ۲۰۰۹: ۲۳۴).

از این رو، محققان و پژوهشگران بسیاری تلاش کرده‌اند تا به منظور غلبه بر ناتوانی چارچوب حسابداری مالی فعلی جهت گزارشگری سرمایه فکری، روش‌ها و مدل‌های اندازه‌گیری جدیدی برای گزارشگری سرمایه فکری ارائه کنند (بروگن، الکساندر، ورگاون، فیلیپ و داوو، ۲۰۰۹: ۲۳۴). با این وجود اغلب استدلال می‌شود که ارزیابی دارایی‌های نامشهود غیر ممکن است (کرکلس، یولاندا، پانس، انجل، ۲۰۱۳: ۱۰۷ و ۱۰۸). در حقیقت پیچیدگی‌های اندازه‌گیری دارایی‌های سرمایه فکری، ثبت آن‌ها را در چارچوب حسابداری با مشکل مواجه ساخته و لذا استانداردهای حسابداری شناسایی و اندازه‌گیری آن را تجویز نکرده است. برنان و کونل (۲۰۰۰) استدلال می‌کنند که محافظه‌کاری حسابداری برای دارایی‌های نامشهود، شناس قانون‌گذاران را برای توسعه‌ی استانداردهایی برای

گزارشگری سرمایه‌ی فکری به شدت کاهش داده است (بروگن، الکساندر، ورگاون، فیلیپ و داوو، ۲۰۰۹: ۲۳۴). با این وجود کرکلس و پانس (۲۰۱۳) معتقدند که دشواری‌های ارزشگذاری دارایی‌های نامشهود (مشکلات اندازه‌گیری) نباید مانع انتشار این دست از اطلاعات از طریق یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی یا هر روش دیگری شود. چرا که این اطلاعات برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی سودمند می‌باشند. به همین نحو، هیات استانداردهای حسابداری مالی افشای اطلاعات مربوط به دارایی‌های نامشهود که در متن صورت‌های مالی شناسایی نمی‌شوند را با این بیانات توجیه می‌کند:

« علی‌رغم وجود معیارهای محدودکننده که شناسایی دارایی‌های نامشهود ایجاد شده در داخل شرکت را با مشکل مواجه می‌سازند، لازم است راه‌های بهتری برای آگاهی دهی به استفاده‌کنندگان گزارشات مالی در مورد اطلاعات مربوط به آن‌ها یافت. بدون توسعه‌ی چنین دیدگاه‌هایی، در حالی که دارایی‌های نامشهود مهم و مهم‌تر می‌شوند، حسابداری با فقدان جدی قابلیت اتکا مواجه خواهد شد.» (کرکلس، یولاندا، پانس، انجل، ۲۰۱۳: ۱۰۸، به نقل از هیات استانداردهای حسابداری مالی).

لازم به ذکر است که شواهد متعددی حاکی از افشای داوطلبانه‌ی سرمایه فکری توسط برخی از شرکت‌ها در دسترس است. دلایلی که برای این امر می‌توان بر شمرده عبارتند از: فراهم کردن شرایط مساعد برای پیش بینی وضعیت آتی شرکت، تعیین ارزش ذاتی شرکت، کاهش هزینه‌ی نمایندگی، بهبود وضعیت شرکت برای تامین منابع مالی و غیره (مشایخی، بیتا، سیدی، سیدجلال، زرگران یزد، هستی، ۱۳۹۳: ۲۵۶).

با توجه به فقدان «بایدها» و چارچوب یکپارچه در خصوص گزارشگری اطلاعات مربوط به سرمایه فکری از سوی استانداردهاگذاران، دشواری اندازه‌گیری و شناسایی این اقلام در متن صورت‌های مالی، اهمیت سرمایه فکری در تعیین ارزش واقعی شرکت‌ها و تمایل بسیاری از شرکت‌ها به افشای داوطلبانه‌ی این دست از اطلاعات، ضروری به نظر می‌رسد که تحقیقاتی در زمینه منافع حاصل از افشای اطلاعات سرمایه فکری و موانعی که موجب فقدان این اطلاعات در گزارشات مالی می‌شود، انجام گیرد. از این رو پژوهش حاضر قصد دارد تا با بررسی دیدگاه صاحب نظران و کارشناسان حسابداری کنکاش نماید که چرا تا به حال شرکت‌ها به افشای سرمایه فکری مبادرت ننموده و در صورت افشای آن چه منافی حاصل این شرکت‌ها خواهد شد. واضح است که فزونی منافع بر

مخارج افشای چنین اطلاعاتی، گزارشگری آن را در یادداشت-های توضیحی صورت‌های مالی یا هر نوع گزارش مالی دیگر توجیه خواهد کرد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

مرور ادبیات سرمایه فکری نشان می‌دهد که تحقیقات اولیه بر روی تعاریف و طبقه بندی آن تمرکز داشته و تا به امروز تحقیقات زیادی درخصوص تعیین سطح افشای داوطلبانه سرمایه فکری و عوامل موثر بر آن صورت گرفته است (بزهانی، ایوونی، ۲۰۱۰: ۱۸۰؛ بروگن، الکساندر، ورگاون، فیلیپ و داوو، مای، ۲۰۰۹: ۲۳۵). از دیگر تحقیقات خارجی انجام شده در این زمینه می‌توان به تحقیقات لی، هانیفا و پیک (۲۰۰۸) اشاره نمود، آنها به بررسی رابطه‌ی بین افشای سرمایه فکری و ساختار حاکمیت شرکتی شرکت‌های انگلیسی پرداختند، نتایج آن‌ها حاکی از آن بود که به غیر از دوگانگی نقش مدیرعامل، سایر مولفه‌ها از جمله ترکیب هیئت مدیره، ساختار مالکیت، اندازه کمیته حسابرسی و تعداد جلسات کمیته حسابرسی دارای رابطه معناداری با افشای سرمایه فکری می‌باشد. وودکک و وایتینگ (۲۰۰۹) در بررسی سطح افشای سرمایه فکری گزارش‌های سالیانه‌ی ۷۰ شرکت استرالیایی به تاثیر مشخصه‌های شرکت از جمله نوع صنعت، تمرکز مالکیت، سن، اهرم مالی و نوع حسابرسی بر روی سطح افشای سرمایه فکری پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که صنایع دارای گزارشگری بالای سرمایه فکری و شرکت‌های دارای موسسات حسابرسی بزرگ دارای سطح افشای بالاتری بودند، همچنین تمرکز مالکیت، سطح اهرم و سن بر روی افشا تأثیری نداشت. همچنین برانکو و دلگادو (۲۰۱۰) تأثیرات اندازه، نوع صنعت و زمان بر روی افشای سرمایه فکری و همچنین تأثیرات افشا بر روی رشد شرکت‌های پرتقالی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که اندازه شرکت عامل مهم و نوع صنعت اثر جزئی بر روی توضیح افشای سرمایه فکری شرکت‌ها دارد و همچنین طبق پژوهش آن‌ها تأیید افزایش افشای سرمایه فکری در طول زمان و ارتباط افشا با رشد شرکت امکان پذیر نبود. فریرا و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی عوامل موثر بر افشای سرمایه فکری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس پرتقال پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که اندازه شرکت و نوع حسابرس در توضیح افشای سرمایه فکری شرکت‌ها ضروری است اما سودآوری، اهرم مالی، تمرکز مالکیت بر روی افشای آن تأثیری ندارند. همچنین نتایج نشان داد که همکاری‌های اقتصادی، ساختار مالکیت، برندهای ایجاد شده و اطلاعات

کارمندان از جمله مواردی هستند که اکثر شرکت‌های مورد بررسی در گزارش سالیانه خود افشا می‌کنند.

همانطور که پیش از این نیز بیان شد، علی‌رغم مشکلات مربوط به افشای سرمایه فکری، شرکت‌ها دلایل متعددی برای افشای داوطلبانه‌ی آن دارند. کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و استفاده‌کنندگان برون سازمانی یکی از دلایل اصلی افشای داوطلبانه سرمایه فکری می‌باشد. طبق نظر آندریسن (۲۰۰۴)، عدم تقارن اطلاعاتی به تخصیص نامناسب سرمایه منجر می‌شود که نتیجه‌ی آن تحمیل هزینه‌های اجتماعی مانند بیکاری یا کاهش بهره‌وری خواهد بود. کاهش عدم تقارن اطلاعات دارای مزایایی از قبیل هزینه‌های کمتر سرمایه می‌باشد. به علاوه، افشای سرمایه فکری منجر به افزایش مربوط بودن صورت‌های مالی می‌شود. کانینانو و همکاران (۱۹۹۹) استدلال کردند که عدم ارائه اطلاعات مربوط به سرمایه فکری منجر به بدتر شدن موقعیت مالی شرکت و از دست دادن رقابت در بلندمدت می‌شود. در واقع، سرمایه‌گذاران در ارزیابی صحیح ارزش شرکت برای تخصیص منابع، با صورت‌های مالی فاقد گزارشگری سرمایه فکری مشکل دارند. به همین ترتیب مدیران ممکن است سرمایه‌گذاری‌های نامشهود مربوط مورد نیاز شرکت را به سختی تعیین کنند. در نتیجه ارائه اطلاعات مربوط به مدیران و دیگر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد. سهامداران همچنین مشتاق افشای اطلاعات سرمایه فکری به منظور ایجاد اعتماد در کارکنان و سایر ذینفعان می‌باشند. به گزارش پروساک و کوهن (۲۰۰۱)، ایجاد اعتماد یکی از مهم‌ترین عوامل استراتژی‌های رشد بلند مدت شرکت می‌باشد، زیرا موجب تعهد بیشتر سهامداران به آینده شرکت مخصوصاً در زمان آشفتگی می‌شود (بروگن، الکساندر، ورگاون، فیلیپ و داوو، مای، ۲۰۰۹: ۲۳۵ و ۲۳۶). بون و رامان (۲۰۰۱) نشان دادند که بازار خرید و فروش شرکت‌های تحقیق و توسعه نسبت به سایر شرکت‌ها از عمق کمتری برخوردار می‌باشد. لذا پیشنهاد کردند که نقد شوندگی سهام این شرکت‌ها با افشای بیشتر سرمایه فکری بهبود خواهد یافت. بوخ و همکاران (۲۰۰۵) در بررسی شرکت‌های دانمارکی که سهام آن‌ها برای اولین بار در بورس عرضه می‌شد، دریافتند که افشای سرمایه فکری موجب افزایش مربوط بودن اطلاعات برای سرمایه‌گذاران می‌شود. ادوینسون (۱۹۹۷) اظهار داشت که در بخش عمده‌ای از شرکت‌های معروف مانند اینتل، مایکروسافت و نت اسکپ، تفاوت قابل توجهی بین ارزش‌های بازار و ارزش‌های دفتری وجود دارد. وی این اختلاف را ارزش‌های پنهان نامید و نشان داد که با افشای اطلاعات سرمایه فکری، این شرکت‌ها می-

توانند شواهدی در رابطه با ارزش‌های واقعی و قابلیت‌های ایجاد ثروت ارائه کنند که منجر به بهبود شهرت شرکت می‌شود (بروگن، الکساندر، ورگاون، فلیپ و داوو، مای، ۲۰۰۹: ۲۳۵ و ۲۳۶).

بررسی تحقیقات سرمایه فکری که در فوق به تعدادی از آن‌ها اشاره شد نشان می‌دهد که بررسی اهمیت افشای سرمایه فکری و اهمیت آن در ارتقای کیفیت گزارشگری مالی، کاهش هزینه سرمایه و عدم تقارن اطلاعاتی همواره از دغدغه‌های اصلی محققان بوده است.

مرور بر ادبیات سرمایه فکری در داخل کشور نیز نشان می‌دهد که تا به امروز محققان بسیاری اهمیت گزارشگری سرمایه فکری را از ابعاد مختلف مورد توجه قرار داده و تاثیر آن را بر موارد مختلفی از جمله عملکرد مالی (نمازی، محمد، ابراهیمی، شهلا، ۱۳۸۸؛ ستایش، محمدحسین، کاظم نژاد، مصطفی، ۱۳۸۸؛ یحیی زاده فر، محمود، آقاجانی، حسنعلی و یحیی تبار، فاطمه، ۱۳۹۳)، شاخص‌های مالی (عباسی، ابراهیم، صدقی، امان، ۱۳۸۹)، کیفیت اطلاعات مالی (دیانتی، دیلمی، زهرا، رضانی، مریم، ۱۳۹۲)، ارزش بازار (همتی، حسن، نیکونستی، محمد، خان حسینی، داوود، ۱۳۹۲) شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار داده‌اند. علاوه بر آن، پژوهش‌هایی در خصوص تاثیر افشای اجزای سرمایه فکری بر کیفیت گزارشگری مالی (دارابی، رویا، ۱۳۹۱)، رابطه سرمایه فکری و اجزای آن با خطر ورشکستگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (نمازی، محمد، قدیریان آرانی، محمدحسین، ۱۳۹۲)، عوامل موثر بر افشای سرمایه فکری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (مشایخی، بیتا، سیدی، سیدجلال، زرگران یزد، هستی، ۱۳۹۳) و موضوعات دیگر انجام شده است. همچنین در زمینه مقالات توصیفی، مباحث متعددی در خصوص ارائه چارچوب مفهومی برای ارزیابی و اندازه‌گیری سرمایه فکری، مدل‌ها و روش‌های حسابداری سرمایه فکری و شناسایی و افشای آن به نگارش درآمده است.^۱ بنابراین، در میان انبوه پژوهش‌های داخلی و خارجی در خصوص اهمیت گزارشگری سرمایه فکری، تجزیه و تحلیل هزینه - منفعت گزارشگری آن کمتر به چشم می‌خورد. ایده اصلی پژوهش حاضر از پژوهش کرکلس و پانس (۲۰۱۳) تحت عنوان «تجزیه و تحلیل هزینه - منفعت افشای سرمایه فکری: دیدگاه ذینفعان دانشگاه» اقتباس گردیده است. به رسم امانت توضیح کوتاهی در خصوص این پژوهش به شرح ذیل بیان می‌شود.

کرکلس و پانس (۲۰۱۳) با تکیه بر تئوری ذینفعان که فرض اصلی آن دستیابی به مزیت رقابتی از طریق حفظ و ایجاد روابط شایسته با هر گروه از ذینفعان است و با اشاره به مدرن شدن ساختار دانشگاه‌های اسپانیا که ضرورت شفافیت اطلاعات و پاسخ‌گویی آن‌ها را بیش از پیش برجسته می‌سازد، چرایی عدم افشای سرمایه فکری توسط دانشگاه‌های اسپانیا و منافع بالقوه حاصل از آن (در صورت افشا) را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. پرسشنامه طراحی شده توسط آنها دارای ۳ بخش می‌باشد: بخش اول - اهمیت انتشار اطلاعات سرمایه فکری؛ بخش دوم - ارزیابی دلایل عدم افشای اطلاعات سرمایه فکری؛ بخش سوم - ارزیابی مزایای اصلی مرتبط با گزارشگری سرمایه فکری. با ارسال پرسشنامه برای اعضای دانشگاه‌های عمومی اسپانیایی مشخص گردید که طبق نظرات پاسخ‌دهندگان افشای اطلاعات سرمایه فکری به موجب افزایش مربوط بودن اطلاعات درون گزارشات مالی، برای استفاده کنندگان با اهمیت است. به علاوه، از یک سو افشای سرمایه فکری باعث شفافیت بیشتر دانشگاه، افزایش رضایت مندی استفاده‌کنندگان، بهبود اعتبار و تصویر دانشگاه می‌شود و از سوی دیگر فقدان سیستم‌های داخلی شناسایی و اندازه‌گیری عناصر نامشهود از دلایل اصلی افشا نکردن سرمایه فکری توسط دانشگاه‌ها تا به حال بوده است.

از این رو، در پژوهش حاضر با توجه به تمایل بسیاری از شرکت‌ها به افشای داوطلبانه‌ی این دست از اطلاعات و اهمیت آن در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تعیین ارزش ذاتی شرکت و با استفاده از پرسشنامه‌ی کرکلس و پانس (۲۰۱۳)، هزینه - منفعت گزارشگری سرمایه فکری توسط شرکت‌ها از دیدگاه صاحب نظران و کارشناسان حسابداری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۳- فرضیه‌های پژوهش

کرکلس و پانس (۲۰۱۳) با اشاره به تحقیقات مختلف، دلایل اصلی بازدارنده‌ی افشای اطلاعات سرمایه فکری و منافع مهم بالقوه حاصل از افشای این اطلاعات را به شرح زیر نام می‌برند:

✓ دلایل اصلی بازدارنده‌ی افشای اطلاعات سرمایه فکری: هزینه بالای توسعه چنین اطلاعاتی (هزینه جمع‌آوری، پردازش اطلاعات، پیچیدگی و انتشار)، هزینه ازدست دادن مزیت رقابتی (ترس از اینکه اطلاعات منتشرشده شرکت توسط رقبای مورد استفاده قرارگیرد)، ایجاد فرصت دستکاری اطلاعات که نهایتاً منجر به انتشار اطلاعات مطلوب می‌شود که لزوماً سودمند نیستند، نبود سیستم -

های اطلاعات داخلی برای شناسایی و اندازه‌گیری منابع نامشهود؛

✓ منافع مهم بالقوه حاصل از افشای اطلاعات سرمایه فکری: کاهش عدم تقارن اطلاعات، کاهش هزینه سرمایه، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری، بهبود اعتبار و تصویر شرکت، اعتماد (یا اطمینان) بیشتر کارکنان موسسات و دیگر ذینفعان، بهبود مدیریت داخلی، مزایای حاصل از اجرای استراتژی، حمایت از چشم‌انداز بلندمدت شرکت، افزایش شفافیت شرکت، افزایش قابلیت مقایسه بین شرکت‌های مختلف، توسعه پاسخگویی عمومی، بهبود حسن شهرت شرکت، افزایش در رضایت استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری.

بنابراین با توضیحات ارائه شده در خصوص اهمیت گزارشگری سرمایه فکری و دلایل بازدارنده و منافع بالقوه حاصل از افشای اطلاعات سرمایه فکری، سه فرضیه پژوهش به شرح زیر تدوین می‌گردند:

فرضیه اصلی (۱): ارائه و افشای اطلاعات سرمایه فکری برای استفاده‌کنندگان اهمیت دارد.

فرضیه فرعی (۱): افشای اطلاعات سرمایه فکری برای استفاده‌کنندگان مختلف گزارشات مالی با اهمیت است، زیرا این دست از اطلاعات مربوط بودن اطلاعات درون گزارشات مالی را افزایش می‌دهند.

فرضیه فرعی (۲): افشای اطلاعات سرمایه فکری برای استفاده‌کنندگان مختلف گزارشات مالی بی‌اهمیت است، زیرا این دست از اطلاعات موجب افزایش ابهام و از دست رفتن مربوط بودن اطلاعات درون گزارشات مالی می‌شود.

فرضیه اصلی (۲): تمامی دلایل اصلی بازدارنده افشای اطلاعات سرمایه فکری که در فوق شرح داده شد به طور یکسان مانع افشای اطلاعات سرمایه فکری تا به حال شده است؛

فرضیه اصلی (۳): تمام منافع بالقوه افشای اطلاعات سرمایه فکری که در فوق شرح داده شد، به یک میزان از افشای این اطلاعات حاصل می‌گردد.

۴- روش شناسی پژوهش

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، با استفاده از پرسشنامه‌ی کرکلس و پانس (۲۰۱۳) نظرات و دیدگاه‌های کارشناسان و صاحب‌نظران حسابداری مورد بررسی قرار گرفت. پرسشنامه در ۲ بخش کلی طراحی گردید که در بخش اول سوالات مربوط به مشخصات عمومی و در بخش دوم سوالات

اصلی مطرح شد. بخش دوم پرسشنامه که دارای سه زیر بخش می‌باشد با اشاره به برخی از جزئیات و ارتباط آن با اهداف پژوهش به شرح ذیل می‌باشد:

الف: اهمیت انتشار اطلاعات سرمایه فکری (مرتبط با هدف اول تحقیق و فرضیه اصلی (۱)): این بخش دارای دو سوال مرتبط با هر یک از فرضیه‌های فرعی (۱) و (۲) به همراه دو گزینه‌ی «بله و خیر» می‌باشد؛

ب: ارزیابی دلایل عدم افشای اطلاعات سرمایه فکری (مرتبط با هدف دوم تحقیق و فرضیه اصلی (۲)): این بخش شامل ۴ دلیل مطرح شده در قسمت فرضیه‌های پژوهش به همراه مقیاس ۵ گزینه‌ای طیف لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم؛

ج: ارزیابی مزایای اصلی مرتبط با گزارشگری سرمایه فکری (مرتبط با هدف دوم تحقیق و فرضیه اصلی (۳)): این بخش شامل ۱۳ منفعت بالقوه مطرح شده در قسمت فرضیه‌های پژوهش به همراه مقیاس ۵ گزینه‌ای طیف لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم؛

از سوی دیگر، روشن است یک پرسشنامه خوب باید از ویژگی‌هایی مانند عینیت، سهولت اجرا، عملی بودن، سهولت تعبیر و تفسیر، روایی و پایایی برخوردار باشد تا به نتایج درستی منجر شود. در این بین، روایی و پایایی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد که به منظور اعتبار بخشیدن به نتایج آزمون نیاز به بررسی دارد. گفتنی است اعتبار و روایی محتوای پرسشنامه توسط افراد متخصص و اساتید و صاحب‌نظران حرفه تعیین می‌شود، لذا به منظور اطمینان از روایی محتوای پرسشنامه، نظرات چند متخصص در این زمینه مورد بررسی قرار گرفت. برای بررسی پایایی پرسشنامه نیز آلفای کرونباخ محاسبه شده، ۰.۸۳ می‌باشد و به این دلیل که این عدد از ۰.۷ بیشتر می‌باشد، می‌توان گفت پرسشنامه مورد نظر از پایایی لازم برخوردار است.

لازم به ذکر است، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری رشته حسابداری و اعضای هیات علمی کلیه دانشگاه‌های کشور در رشته حسابداری از یک سو به دلیل آشنایی با مفهوم سرمایه فکری و دشواری‌ها و پیچیدگی‌های گزارشگری این دست از اطلاعات و از سوی دیگر استفاده از گزارشات مالی جهت تصمیم‌گیری، به عنوان جامعه-ی آماری پژوهش در نظر گرفته شده و پرسشنامه مذکور که به صورت آنلاین تهیه و تنظیم گردیده بود، برای ۳۴۵ نفر از افراد در دسترس ارسال گردید که از این میان ۱۲۸ پرسشنامه (نرخ پاسخگویی = ۳۷٪) دریافت گردید.

توزیع نرمال پیروی نمی‌کند. لذا در این پژوهش، می‌بایست از آزمون‌های ناپارامتری استفاده نمود. بنابراین فراخور محتوای فرضیه‌ها و نوع بررسی، از آزمون دوجمله‌ای (نسبت) به منظور آزمون فرضیه‌های فرعی (۱) و (۲) و از آزمون فریدمن برای آزمون فرضیه‌های دوم و سوم با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ بهره گرفته شده است. لازم به توضیح است که به منظور بررسی وجود نسبت خاصی در جامعه از آزمون نسبت استفاده می‌شود (همان منبع). به علاوه آزمون فریدمن برای موقعیت‌هایی مناسب است که از n فرد درباره رتبه بندی K موضوع وابسته (مربوط به هم) نظرخواهی می‌شود و محقق قصد دارد یکسان بودن این رتبه بندی را مورد بررسی قرار دهد.

۵- یافته‌های پژوهش

الف) آمار توصیفی

همانطور که بیان شد بخش اول سوالات پرسشنامه به مشخصات عمومی پاسخ دهندگان از جمله سن، جنسیت، میزان تحصیلات، میزان سابقه در حرفه، نوع فعالیت فعلی در حرفه، سمت سازمانی در حرفه، مدرس دانشگاه و عضو هیات علمی دانشگاه مربوط می‌شود که در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود. لازم به ذکر است که ۶۵ درصد از کل پاسخ دهندگان، مدرس دانشگاه و ۳۶ درصد از کل پاسخ دهندگان، عضو هیات علمی می‌باشند. سایر موارد در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲. آمار توصیفی مشخصات عمومی پاسخ دهندگان

سن	زیر ۳۰ سال	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	بین ۴۰ تا ۵۰ سال	بالتر از ۵۰ سال	کل				
تعداد	۷۳	۴۶	۶	۳	۱۲۸				
فراوانی نسبی	۵۷٪	۳۶٪	۵٪	۲٪	۱۰۰٪				
میزان تحصیلات	ارشد حسابداری	دانشجوی کارشناسی ارشد	فارغ التحصیل کارشناسی ارشد حسابداری	دانشجوی دکتری حسابداری	کل				
تعداد	۱۸	۳۴	۵۷	۱۹	۱۲۸				
فراوانی نسبی	۱۴٪	۲۷٪	۴۵٪	۱۵٪	۱۰۰٪				
سابقه اجرایی در حرفه	صفر	۳ <	۳-۵	۵-۱۰	۱۰-۱۵	۱۵-۲۰	۲۰-۲۵	> ۲۵	کل
تعداد	۱۴	۳۹	۲۸	۲۸	۱۳	۳	۲	۱	۱۲۸
فراوانی نسبی	۱۱٪	۳۰٪	۲۲٪	۲۲٪	۱۰٪	۲٪	۲٪	۱٪	۱۰۰٪

استفاده از روش‌های پارامتری مستلزم مفروضات زیر بنایی از جمله نرمال بودن جامعه‌ی مورد نمونه‌گیری و استقلال نمونه‌های اخذ شده می‌باشد (آذر، مومنی، ۱۳۸۵: ۲۸۴). حال در صورت برقرار نبودن هر یک از مفروضات فوق، استفاده از آزمون‌های ناپارامتری که اصطلاحاً «آزاد-توزیع» نامیده می‌شوند، پیشنهاد می‌گردد. لذا در وهله اول به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها، از آزمون کای دو استفاده می‌شود. فرضیه صفر و فرضیه رقیب این آزمون به شرح زیر می‌باشد:

H_0 = توزیع مشاهدات از توزیع نرمال پیروی می‌کند.

H_1 = توزیع مشاهدات از توزیع نرمال پیروی نمی‌کند.

نتایج آزمون در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. نتایج آزمون کای دو جهت بررسی نرمال بودن

توزیع مشاهدات

بخش - زیربخش	تعداد نمونه	درجه آزادی	مقدار sig	نتیجه آزمون
۲-الف	۱۲۸	۱	۰,۰۰۰	توزیع غیرنرمال
۲-ب	۱۲۸	۴	۰,۰۰۰	توزیع غیرنرمال
۲-ج	۱۲۸	۴	۰,۰۰۰	توزیع غیرنرمال

با توجه به نتایج آزمون کای-دو و با توجه به اینکه سطح معناداری از ۵ درصد کوچکتر است، فرضیه صفر رد شده و می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد بیان کرد که توزیع مشاهدات از

ب) آمار استنباطی

آزمون فرضیه اصلی (۱): ارائه و افشای اطلاعات سرمایه فکری برای استفاده کنندگان اهمیت دارد.

به منظور آزمون این فرضیه لازم است دو فرضیه فرعی (۱) و (۲) مورد آزمون قرار گیرد که از آزمون دوجمله‌ای (نسبت) بهره گرفته می‌شود.

آزمون فرضیه فرعی (۱): افشای اطلاعات سرمایه فکری برای استفاده کنندگان مختلف گزارشات مالی با اهمیت است، زیرا این دست از اطلاعات مربوط بودن اطلاعات درون گزارشات مالی را افزایش می‌دهند.

طبق پرسشنامه‌های گردآوری شده ۹۰ درصد از پاسخ-دهندگان گزینه بله و تنها ۱۰ درصد گزینه خیر را برای این سوال انتخاب کردند. به این ترتیب فرضیه صفر و فرضیه رقیب برای آزمون این فرضیه طبق آزمون دوجمله‌ای به شرح ذیل می‌باشد (همانطور که گفته شد در آزمون دوجمله‌ای وجود نسبت خاصی در جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد که این نسبت عمدتاً ۵۰ درصد در نظر گرفته می‌شود):

$$H_0 : P = 0.5$$

$$H_1 : P \neq 0.5$$

طبق نتایج آزمون دوجمله‌ای که در جدول زیر آمده است، سطح معناداری کمتر از ۵ درصد به دست آمده که بیانگر رد فرضیه H_0 می‌باشد، این امر نشان می‌دهد که نسبت در جامعه با ۰,۵ تفاوت معنادار داشته و با توجه به آنکه نسبت به دست آمده از نمونه، ۹۰ درصد می‌باشد، می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد نتایج را به جامعه تعمیم داد و بیان کرد که بیش از ۵۰ درصد اعضای جامعه معتقدند که افشای اطلاعات سرمایه فکری برای استفاده کنندگان مختلف گزارشات مالی با اهمیت است، زیرا این دست از اطلاعات مربوط بودن اطلاعات درون گزارشات مالی را افزایش می‌دهند و بنابراین فرضیه فرعی اول تایید می‌گردد.

جدول ۳. نتایج آزمون دوجمله‌ای برای آزمون فرضیه فرعی (۱)

پاسخ دهندگان	نوع پاسخ	تعداد نمونه	نسبت مشاهده شده	سطح معنی داری
گروه ۱	بله	۱۱۵	۹۰٪	۰,۰۰۰
گروه ۲	خیر	۱۳	۱۰٪	

آزمون فرضیه فرعی (۲): افشای اطلاعات سرمایه فکری برای استفاده کنندگان مختلف گزارشات مالی بی‌اهمیت است،

زیرا این دست از اطلاعات موجب افزایش ابهام و از دست رفتن مربوط بودن اطلاعات درون گزارشات مالی می‌شود.

طبق پرسشنامه‌های گردآوری شده ۱۸ درصد از پاسخ-دهندگان گزینه بله و ۸۳ درصد گزینه خیر را برای این سوال انتخاب کردند. به این ترتیب مشابه آزمون فرضیه قبل، فرضیه صفر و رقیب برای آزمون این فرضیه طبق آزمون دوجمله‌ای به شرح ذیل می‌باشد:

$$H_0 : P = 0.5$$

$$H_1 : P \neq 0.5$$

طبق نتایج آزمون دوجمله‌ای که در جدول زیر آمده است، سطح معناداری کمتر از ۵ درصد به دست آمده که بیانگر رد فرضیه H_0 می‌باشد، این امر نشان می‌دهد که نسبت کسانی که به این سوال پاسخ خیر داده‌اند در جامعه با ۰,۵ تفاوت معنادار داشته و با توجه به آنکه نسبت به دست آمده برای پاسخ بله از نمونه، ۱۸ درصد، و برای پاسخ خیر، ۸۳ درصد می‌باشد، می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد نتایج را به جامعه تعمیم داد و بیان کرد که کمتر از ۵۰ درصد اعضای جامعه معتقدند که افشای اطلاعات سرمایه فکری برای استفاده کنندگان مختلف گزارشات مالی بی‌اهمیت است، و بیش از ۵۰ درصد اعضای جامعه با این گزاره موافق نیستند و معتقدند که افشای اطلاعات سرمایه فکری با اهمیت بوده و موجب کاهش ابهام و از طرفی افزایش مربوط بودن اطلاعات درون گزارشات مالی می‌گردد.

جدول ۴. نتایج آزمون دوجمله‌ای برای آزمون فرضیه فرعی (۱)

پاسخ دهندگان	نوع پاسخ	تعداد نمونه	نسبت مشاهده شده	سطح معنی داری
گروه ۱	بله	۲۳	۱۸٪	۰,۰۰۰
گروه ۲	خیر	۱۰۵	۸۲٪	

با توجه به نتایج حاصل از دو فرضیه فرعی (۱) و (۲) در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه اصلی (۱) مبنی بر اهمیت ارائه و افشای اطلاعات سرمایه فکری برای استفاده کنندگان، تایید می‌گردد.

آزمون فرضیه اصلی (۲): تمامی دلایل اصلی بازدارنده افشای اطلاعات سرمایه فکری به طور یکسان مانع افشای اطلاعات سرمایه فکری تا به حال گردیده است؛

همان‌طور که پیش از این بیان شد، جهت آزمون این فرضیه، از آزمون فریدمن استفاده می‌شود. در زیر بخش «ب» از پاسخ‌دهندگان خواسته شده است که هر یک از عوامل

بعدی بازدارنده افشای سرمایه فکری در شرکت‌ها اشاره نمود.

آزمون فرضیه اصلی (۳): تمام منافع بالقوه افشای اطلاعات سرمایه فکری به یک میزان از افشای این اطلاعات حاصل می‌گردد.

جهت آزمون این فرضیه نیز از آزمون فریدمن استفاده می‌شود. در زیر بخش «ج» از پاسخ‌دهندگان خواسته شده است که هر یک از منافع بالقوه حاصل از افشای سرمایه فکری را با انتخاب یکی از گزینه‌های کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم رتبه بندی نمایند. لذا فرضیه صفر و رقیب به شرح زیر تدوین می‌گردد:

H_0 : میانگین رتبه‌بندی جامعه‌های مورد مطالعه با یکدیگر برابرند.

H_1 : میانگین رتبه‌بندی حداقل دو جامعه وابسته مورد مطالعه با یکدیگر برابر نیستند.

همانطور که در بالا اشاره شد، آزمون فریدمن شامل دو خروجی است که خروجی اول شامل آمار توصیفی می‌باشد که میانگین رتبه‌های هر عامل را نشان می‌دهد (جدول ۷). خروجی دوم نیز تعداد نمونه‌های هر متغیر، مقدار آماره کای دو، درجه آزادی و سطح معناداری را نشان می‌دهد (جدول ۸).

جدول ۷. میانگین رتبه‌های انتخابی توسط پاسخ دهندگان برای هر یک از منافع

میانگین رتبه‌ها	سوالات پژوهش
۶,۵۴	کاهش عدم تقارن اطلاعات
۵,۲۲	کاهش هزینه سرمایه
۶,۱۰	کاهش ریسک سرمایه گذاری
۸,۱۶	بهبود اعتبار و تصویر شرکت
۷,۷۵	اعتماد (یا اطمینان) بیشتر کارکنان و دیگر ذینفعان
۷,۴۶	بهبود مدیریت داخلی
۵,۶۵	مزایای حاصل از اجرای استراتژی
۷,۱۴	حمایت از چشم انداز بلند مدت شرکت
۸,۴۱	افزایش شفافیت شرکت
۷,۰۴	افزایش قابلیت مقایسه بین شرکت‌های مختلف
۶,۴۴	توسعه پاسخگویی عمومی
۷,۶۸	بهبود حسن شهرت شرکت
۷,۴۰	افزایش رضایت استفاده کننده گان از اطلاعات حسابداری

بازدارنده افشای سرمایه فکری را با انتخاب یکی از گزینه‌های کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم رتبه‌بندی نمایند. در آزمون فریدمن بررسی می‌شود که آیا میانگین رتبه‌بندی به دست آمده یکسان بوده یا خیر. به این ترتیب فرضیه صفر و رقیب به شرح زیر تدوین می‌گردد:

H_0 : میانگین رتبه بندی جامعه‌های وابسته مورد مطالعه با یکدیگر برابرند.

H_1 : میانگین رتبه‌بندی حداقل دو جامعه وابسته مورد مطالعه با یکدیگر برابر نیستند.

آزمون فریدمن شامل دو خروجی است که خروجی اول آمار توصیفی است که میانگین رتبه‌های هر عامل را نشان می‌دهد. در خروجی دوم نیز تعداد داده‌های هر متغیر، مقدار آماره کای دو، درجه آزادی و سطح معناداری را نشان می‌دهد.

جدول ۵. میانگین رتبه‌های انتخابی توسط پاسخ دهندگان برای هر یک از عوامل

میانگین رتبه‌ها	سوالات پژوهش
۲,۶۲	هزینه بالای توسعه چنین اطلاعاتی
۲,۴۱	هزینه از دست دادن مزیت رقابتی
۱,۷۹	ایجاد فرصت دستکاری اطلاعات
۳,۱۹	نبود سیستم‌های اطلاعات داخلی برای شناسایی و اندازه‌گیری منابع نامشهود

جدول ۶. نتایج آزمون فریدمن آزمون فرضیه اصلی (۲)

۱۲۸	تعداد نمونه
۹۷,۳۹۰	کای دو
۳	درجه آزادی
۰,۰۰۰	سطح معنی داری

با توجه به سطح معناداری که از ۵ درصد کمتر است، مشخص می‌شود که فرضیه صفر مبنی بر یکسان بودن رتبه بندی عوامل بازدارنده افشای اطلاعات سرمایه فکری رد می‌شود و فرضیه مقابل تایید می‌گردد. روشن است هر چه قدر میانگین رتبه‌ها بزرگتر باشد، اهمیت آن متغیر بیشتر از سایرین می‌باشد. بنابراین با توجه به میانگین رتبه‌ها که در جدول (۵) ارائه شده است، از نظر صاحب‌نظران و کارشناسان حسابداری نبود سیستم‌های اطلاعاتی داخلی برای شناسایی و اندازه‌گیری منابع نامشهود دلیل اصلی برای عدم گزارشگری اطلاعات سرمایه فکری در شرکت‌ها می‌باشد. پس از این عامل می‌توان به هزینه بالای توسعه چنین اطلاعاتی به عنوان عامل

جدول ۸. نتایج آزمون فریدمن فرضیه اصلی (۳)

تعداد نمونه	۱۲۸
کی‌دو	۱۳۳,۲۲۶
درجه آزادی	۱۲
سطح معنی داری	۰,۰۰۰

(۲-۱) افشای اطلاعات سرمایه فکری موجب افزایش ابهام و از دست رفتن مربوط بودن اطلاعات درون گزارشات مالی نمی‌شود.

(۲) نبود سیستم های اطلاعاتی برای شناسایی و اندازه گیری منابع نامشهود و هزینه بالای توسعه‌ی چنین اطلاعاتی از جمله مهم ترین دلایل بازدارنده‌ی افشای اطلاعات سرمایه فکری تا به حال بوده است؛

(۳) افزایش شفافیت شرکت و بهبود اعتبار و تصویر شرکت از جمله منافع اصلی حاصل از افشای اطلاعات سرمایه فکری در شرکت ها می باشد.

نتایج حاصل از پژوهش حاضر با نتایج حاصل از پژوهش کرکلس و پانس (۲۰۱۳) مطابق می‌باشد، چرا که آنها نیز به این نتیجه رسیدند که افشای اطلاعات سرمایه فکری به موجب افزایش مربوط بودن اطلاعات درون گزارشات مالی، برای استفاده کنندگان با اهمیت است. به علاوه، از یک سو افشای سرمایه فکری باعث شفافیت بیشتر دانشگاه، افزایش رضایت مندی استفاده کنندگان، بهبود اعتبار و تصویر دانشگاه می‌شود و از سوی دیگر فقدان سیستم‌های داخلی شناسایی و اندازه گیری عناصر نامشهود از دلایل اصلی افشا نکردن سرمایه فکری توسط دانشگاه‌ها تا به حال بوده است.

فهرست منابع

- * دارابی، رویا. (۱۳۹۱). تاثیر افشای اجزای سرمایه فکری بر کیفیت گزارشگری مالی. فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه گذاری. سال اول، شماره چهارم، زمستان. ۱۰۵-۱۳۱.
- * دیانتی دیلمی، زهرا؛ رضانی، مریم. (۱۳۹۲). تاثیر سرمایه فکری بر کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، سال ششم، شماره هجدهم، ۳۱-۴۷.
- * ستایش، محمدحسین. ؛ کاظم نژاد، مصطفی. (۱۳۸۸). بررسی تاثیر سرمایه فکری بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله پیشرفت‌های حسابداری، ۱، ۶۹-۹۴.
- * عباسی، ابراهیم. ؛ گلدی‌صدقی، امان. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر کارایی سرمایه فکری بر عملکرد مالی شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری. (۱)۲، ۵۱-۶۶.
- * مشایخی، بیتا. ؛ سیدی، سیدجلال؛ زرگران یزد، هستی. (۱۳۹۳). بررسی عوامل موثر بر افشای سرمایه فکری در

با توجه به سطح معناداری که از ۵ درصد کمتر است، مشخص می‌شود که فرضیه صفر مبنی بر یکسان بودن رتبه بندی منافع حاصل از افشای اطلاعات سرمایه فکری رد می‌شود و فرضیه مقابل تایید می‌گردد. روشن است هر چه قدر میانگین رتبه‌ها بزرگتر باشد، اهمیت آن متغیر بیشتر است. بنابراین با توجه به میانگین رتبه‌ها که در جدول (۷) ارائه شده است، از نظر صاحب‌نظران و کارشناسان حسابداری افزایش شفافیت شرکت و بهبود اعتبار و تصویر شرکت از جمله منافع اصلی حاصل از افشای اطلاعات سرمایه فکری در شرکت‌ها می‌باشند.

۶- نتیجه‌گیری و بحث

با توجه به تمایل بسیاری از شرکت‌ها به افشای داوطلبانه‌ی اطلاعات سرمایه فکری و اهمیت آن در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تعیین ارزش ذاتی شرکت، در این پژوهش، با بررسی دیدگاه صاحب نظران و کارشناسان حسابداری، هزینه و منفعت حاصل از افشای اطلاعات سرمایه فکری توسط شرکت‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این راستا دو هدف اصلی برای پژوهش حاضر به شرح ذیل تدوین گردید:

هدف اول: تعیین میزان اهمیتی که استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری (اعم از درون سازمانی و برون سازمانی) برای افشای سرمایه فکری قائل هستند؛

هدف دوم: تعیین دلایلی که شرکت‌ها را به سمت افشای سرمایه فکری سوق می‌دهند یا آنها را از این موضوع باز می‌دارند.

پس از آن با انجام آزمون‌های آماری دوجمله‌ای و فریدمن، فرضیه اصلی (۱) تایید و فرضیه اصلی (۲) و (۳) رد شدند. لذا در مجموع می‌توان گفت که از دیدگاه صاحب‌نظران و کارشناسان حسابداری:

(۱) ارائه و افشای اطلاعات سرمایه فکری برای استفاده کنندگان اهمیت دارد.

(۱-۱) افشای اطلاعات سرمایه فکری برای استفاده کنندگان مختلف گزارشات مالی با اهمیت است، زیرا این دست از اطلاعات مربوط بودن اطلاعات درون گزارشات مالی را افزایش می‌دهند؛

- شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۱ (۲)، ۲۵۱-۲۷۰.
- * نمازی، محمد.؛ قدیریان آرانی، محمدحسین. (۱۳۹۲). بررسی رابطه سرمایه فکری و اجزای آن با خطر ورشکستگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۱، ۱۱۵-۱۴۱.
- * نمازی، محمد.؛ ابراهیمی، شهلا. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر سرمایه فکری بر عملکرد مالی جاری و آینده شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری، دوره ۱، شماره ۳، ۴-۲۵.
- * همتی، حسن.؛ نیکونسبتی محمد.؛ خان حسینی، داوود. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین سرمایه فکری با ارزش بازار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۸ (۳)، ۸۷-۱۰۸.
- * یحیی زاده فر، محمود؛ آقاجانی، حسنعلی؛ یحیی تبار، فاطمه. (۱۳۹۳). بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی فکری و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات مالی، دوره ۱۶، شماره ۱، ۱۸۱-۱۹۹.
- * Bezhani, Ivoni. (2010). Intellectual capital reporting at UK universities. *Journal of Intellectual Capital*, 11(2), 179-207.
- * Bruggen, Alexander. , Vergauwen, Philip. (2009). Determinants of intellectual capital disclosure: evidence from Australia. *Management Decision*, 47(2), 233-245.
- * Corcoles, Yolanda. , Ponce, Angel Tejada. (2013). Cost- benefit analysis of intellectual capital disclosure: University stakeholders' view. *Spanish Accounting Review*, 16(2), 106-117.
- * Haghshenas, H. Barzegar, G. (2013). Intellectual Capital and Knowledge Assets for Value Creation. *Report and Opinion*; 5(12).7-12

یادداشت‌ها

^۱ لازم به ذکر است که به دلیل عدم مشابهت موضوعی مقالات اشاره شده با پژوهش حاضر، از پرداختن به جزئیات آن خودداری شده است.